

اعتبارسنجی روایت شیردهی ابوطالب علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب الکافی

سید علیرضا موسوی اظهر^۱

چکیده

مرحوم کلینی در کتاب کافی، روایتی را مبنی بر شیردهی ابوطالب در دوران نوزادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است. این روایت یک امر نامتعارف و مشکل به شمار می‌رود و در میان منابع متقدم تنها در آن کتاب ذکر شده است. نبود این روایت در منابع متقدم سبب شد عده‌ای آن را ساختگی بدانند. مسئله اصلی پژوهش بررسی سندی و محتوایی این روایت است. در این نوشتار با بررسی روایی و محتوایی نشان داده شد که سند این روایت ضعیف است. همچنین با توجه به محصور بودن روایت در کتاب کافی، انتساب صدور چنین روایتی از معصوم احراز نمی‌شود. اگرچه شیرزی بودن مردان از نظر پزشکی ممکن است و در فقه نیز احکامی در این باره وجود دارد، با این همه چنین عملی در مردان نامتعارف است. از این رو با توجه به ضعف سند، تفرده، تعارض با گزارش‌های تاریخی و نامتعارف بودن، روایت شیردهی ابوطالب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردود به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: دایگی ابوطالب، شیردهی ابوطالب، نوزادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناسی ارشد علوم و حدیث مرکز حدیث قم، amosavi86@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۴/۲۲

در آمد

در عرب مرسوم بود فرزندان شیرخوار را به صحرائشینان می‌سپردند تا قوی و فصیح شوند (عاملی، ۱۴۰۳: ۲۱۹/۱). پیامبر ﷺ نیز در زمانی که پدر خود را از دست داد و جد او عبدالمطلب سرپرستی او را بر عهده گرفت، به دایگی به حلیمه سعديه سپرده شد تا صفات و ویژگی‌هایی که عرب بدان مباحث می‌کرده را در بگیرد. این دایگی در دورانی که حلیمه و قبیله‌اش در خشکسالی و فقر به سر می‌برند، شروع شد و تا پنج سالگی پیامبر ﷺ ادامه پیدا کرد تا آنکه پیامبر ﷺ به دامان مادر و عبدالمطلب بازگردانده شد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۹۴/۱). پس از عبدالمطلب، ابوطالب تنها کسی بود که امکان نگهداری پیامبر ﷺ را داشت. ابوطالب از شخصیت‌های مهم جهان اسلام شمرده شده و نقش بسزائی در حفظ پیامبر ﷺ و حیات اسلام داشت. این نقش حمایت‌گرایانه تأثیر فراوانی در شکل‌گیری اسلام داشت و سبب شد مسیر متلاطم رسالت نبوی تا حد زیادی هموار شود. موفقیت‌هایی که اسلام تاکنون بدان رسیده بدون کمک‌های بی‌بدیل ابوطالب محقق نمی‌شد و ای بسا هرگز اسلام این‌گونه به ثمر نمی‌نشست. در کنار این حمایت‌ها، ابوطالب رابطه پدانه و دلسوزانه‌ای با پیامبر ﷺ برقرار کرد و الفتی فراوان بین او و پیامبر ﷺ ایجاد شد به طوری که با از دست دادن ابوطالب در شعب ابی طالب، پیامبر ﷺ بسیار غمگین شد. در منابع تاریخی از محبت و مهربانی دو طرفه پیامبر ﷺ و ابوطالب گزارش‌های متنوعی ارائه می‌کنند (صدوق، ۱۳۶۲: ۷۶/۱؛ یعقوبی، بی‌تا: ۳۵/۲).

از جمله این گزارش‌ها، روایتی هم در معتبرترین کتاب حدیثی شیعه به چشم می‌خورد که از حیث مضمون عجیب به نظر می‌رسد و نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند. این گزارش از شیردهی ابوطالب در دوران نوزادی پیامبر ﷺ حکایت دارد و به نوعی عجین شدن گوشت و استخوان پیامبر ﷺ به شیر ابوطالب را القاء می‌کند. این روایت که از ارتباط عمیق بین پیامبر ﷺ و ابوطالب حکایت می‌کند به نقل از امام صادق علیه السلام در کتاب کافی (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴۸/۱) آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النَّفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُعَلَّى عَنْ أَخِيهِ مُحَمَّدٍ عَنْ ذُرِّسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، لَمَّا وُلِدَ النَّبِيُّ ﷺ مَكَثَ أَيَّامًا لَيْسَ لَهُ لَبَنٌ فَأَلْقَاهُ أَبُو طَالِبٍ عَلَى نَدْيِ نَفْسِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ لَبَنًا فَرَضَعَ مِنْهُ أَيَّامًا حَتَّى وَقَعَ أَبُو طَالِبٍ عَلَى حَلِيمَةَ السَّعْدِيَّةِ فَدَفَعَهُ إِلَيْهَا»؛ هنگامی که پیامبر ﷺ متولد شد چند روزی بی‌شیر ماند. ابوطالب آن حضرت را به سینه خویش گرفت و خداوند در پستانش شیر جاری ساخت و پیامبر ﷺ چند روز از شیر او نوشید، تا اینکه ابوطالب به حلیمه سعديه برخورد کرد و پیامبر ﷺ را به او سپرد.

بی‌تردید روایت مزبور نگاه نقادانه بعضی از محققان را به همراه داشته و نظرات مختلفی پیرامون آن

شکل گرفته است. از جهاتی بعضی آن را ضعیف دانسته (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۶۲/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۰/۱۵) و برخی دیگر آن را جعلی خوانده‌اند. ولی بعضی نیز تلقی به قبول کرده (جیلانی، ۱۳۸۷: ۸۲/۲؛ سلطان علی شاه، ۱۴۰۸: ۱۹۳/۳) و حتی آن را از معجزات الهی برشمرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۲/۵). صرف وجود روایت در منابع معتبر هرگز اعتماد حداکثری را به همراه ندارد، بلکه با در نظر داشتن ملاک‌های دیگر از جمله سند، محتوا و قرائن پیرامونی که در کنار هم می‌آیند، اعتبار روایت مورد سنجش قرار گرفته و در پی آن قضاوت می‌شود. به این ترتیب معلوم می‌شود روایت چه مقدار دارای مقبولیت و قابل تکیه است و با دیگر ساختارهای محکم دینی تناسب دارد و یا این که برعکس، روایت در اوج ضعف یا ساختگی است. از این رو نیاز است که روایت مزبور مورد ارزیابی قرار گیرد تا اعتبار آن سنجیده شود.

شایان ذکر است، تا به حال به صورت جامع و تفصیلی روایت شیردهی ابوطالب مورد ارزیابی قرار نگرفته و تنها یوسفی غروی (۱۴۱۷) در کتاب الموسوعه التاریخ الاسلامی، روایت را جعلی و معارض با دیگر نقل‌های معتبر تاریخی دانسته است.

بررسی صدور روایت

برای اعتبار سنجی روایت شیردهی ابوطالب، در ابتدا باید به منابعی که به روایت پرداخته‌اند توجه ویژه کرد و سپس به روش تحلیلی، سند و محتوای روایت موردکنکاش قرار گرفته تا با همه جوانبی که پیرامون روایت وجود دارد، حکم اعتماد یا عدم اعتماد به صدورش از معصوم صورت پذیرد.

۱. منابع روایت

روایت شیردهی ابوطالب فقط در کتاب کافی که یکی از مهم‌ترین کتب شیعیان است، آمده و در هیچ یک از منابع برجامانده اصیل پیشینیان یافت نمی‌شود و به طور قطع از روایات منفرد^۱ آن به حساب می‌آید. به طور قطع صرف وجود روایتی از معصوم در کتاب کافی، اعتبار متناهی به روایت می‌بخشد و نباید از این امر غافل بود. اما چنین رویداد نامتعارفی که طبیعتاً بایستی داعی نقل آن فراوان باشد، صرفاً توسط کلینی آن هم از طریق چند راوی مجهول نقل شده‌است و مورد توجه دیگر روایان و منابع شیعی حتی با همین اسناد کتاب کافی، قرار نگرفته است. از این رو نفرد مذکور روزنه تردید را می‌گشاید و زمینه‌ساز سلب اعتماد از روایت می‌شود.

۱. در علم درایه به روایتی که مختص یک راوی یا فرقه خاص یا اهل شهری باشد منفرد یا منفرد گفته می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۰: ۶۲).

۲. بررسی سندی

در سند روایت مذکور افرادی از جمله محمد بن یحیی، سعد بن عبدالله و ابوبصیر جای گرفته‌اند که در تفه بودن آنان شکی نیست (خوبی، ۱۴۱۰: ۳۰/۱۸؛ ۷۴/۸؛ ۷۴/۲۰). اما به جز اینها، افراد دیگری در سند جای دارند که اعتبار هرکدام بررسی بیشتری را می‌طلبد.

نخستین فرد، ابراهیم بن محمد ثقفی صاحب کتاب شناخته شده الفارات است که طبق گفته نجاشی (۱۳۶۵: ۱۷)، وی نخست گرایش به مذهب زیدیه داشت ولی پس از آن به امامیه پیوست. به جز ابن ندیم (بی‌تا: ۳۱۳) که او را توثیق کرده، در مصادر رجالی توثیقی برای او ذکر نشده‌است. اما بعضی از متأخرین به دلالتی روایات او را صحیح دانسته‌اند (مامقانی، ۱۴۳۱: ۳۰۹/۴).

راوی دیگر، علی بن معلی اسدی است که در مصادر رجالی نامی از وی نیامده است. در منابع معتبر حدیثی بیش از ده روایت از وی نقل شده که همه آنان از طریق ابراهیم بن محمد ثقفی در میراث حدیثی شیعه راه یافته است. جالب توجه آنکه وی از روایانی نقل کرده که جز افراد اندک، همگی مهمل هستند یا نام آنان در مصادر رجالی دیده نمی‌شود. یکی از آن افراد، برادرش محمد بن معلی است که نام او فقط ذیل همین روایت یاد شده، موجود است و در دیگر منابع شیعی نامی از او در میان نیست.

برای درست بن ابی منصور راوی دیگر این روایت نیز توصیفی ذکر نشده‌است. مذهب او را واقفی دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۳۶؛ کشی، ۱۴۰۹: ۵۵۶). برخی نقل روایت علی بن حسن طاطری از وی را دلیل بر توثیق او می‌دانند (خوبی، ۱۴۱۰: ۱۴۱/۷). ناگفته نماند، تنها روایتی هم که در منابع حدیثی درست بن ابی منصور از علی بن ابی حمزه نقل روایت کرده همین روایت مورد بحث است.

اما از روایان مهم این روایت علی بن ابی حمزه بطائنی است که از پایه‌گذاران مذهب واقفی به شمار می‌رود (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۹). در مصادر رجالی، کشی به نقل از علی بن حسن بن فضال او را به کذب متهم کرده است (کشی، ۱۴۰۹: ۴۰۳). بعضی از متأخرین نیز به ضعف او اذعان داشته‌اند (حلی، ۱۴۰۲: ۹۶). اما برخی از طریق توثیقات عام، او را توثیق کردند و کتب او را معتمد می‌دانند (نوری، ۱۴۰۸: ۴۶۴/۲۲). به هر روی سند روایت مورد بحث با وجود بعضی از مجهولان و نیز با توجه به غریب بودن سند نسبت به اسناد دیگر، ضعیف شمرده می‌شود.

۳. بررسی محتوا

بر اساس روایت کتاب کافی، زمانی که پیامبر ﷺ متولد شد تا زمانی که حلیمه نقشی در زندگی پیامبر ﷺ ایفاء کند، تنها ابوطالب متصدی شیردهی پیامبر ﷺ شد و کسی غیر او چنین کاری را نکرده است. گواه این برداشت ناظر به عبارت «مکت ایاماً لیس له لبن» در روایت است. این عبارت نشان

می‌دهد که نه تنها پیامبر ﷺ از شیر مادر بی‌بهره ماند؛ بلکه از شیر هر فرد دیگری نیز بی‌نصیب مانده است و گویا مسئول سیر کردن پیامبر ﷺ در این دوران تا آمدن حلیمه، تنها ابوطالب است. همچنین در این روایت تصریح شده که در سینه ابوطالب شیر جاری شد تا خداوند از جانب او گرسنگی پیامبر ﷺ را برطرف کند. طبیعتاً اگر کسی در اطراف پیامبر ﷺ این توانمندی را داشت، دیگر ضرورتی به تراویدن شیر در سینه ابوطالب نبود. بنابراین، برداشت اولیه از روایت این است که ابوطالب از زمان تولد پیامبر ﷺ و تا هنگام آمدن حلیمه، به تنهایی به پیامبر ﷺ شیر داده است و پس از وی نیز حلیمه این امر خطیر را بر عهده گرفته است.

۳-۱. توانایی مردان در شیردهی

برخی در واکنش به روایت گفته‌اند این واقعه دور از عقل و منطق است از این رو نمی‌توان به این روایت تکیه کرد (هاشمی خانعباسی و رجایی پور، ۱۳۸۹: ۱۳). برخی قرآن‌گرایان با اعتقاد به ساختگی بودن روایت، بر این باورند ضرورتی نداشت خداوند شیر را در سینه ابوطالب جاری سازد در حالی که خداوند می‌توانست این شیر را در سینه همسرش فاطمه بنت اسد فراهم آورد. برخی از وهابیت نیز منکر تراویدن شیر در پستان مردان هستند. آنها معتقدند چنین فردی خنثی یا زنی مردنما خواهد بود و در کمال ناباوری شیر ابوطالب را موجب رضاعی شدن پیامبر ﷺ می‌دانند (منیر، بی‌تا: ۱۱۹).

ضعف سند و تفرد موجب سلب اعتماد از صدور چنین روایتی می‌شود و از اعتبار آن می‌کاهد. با این حال دلایل بالا مبنی بر جعلی بودن روایت چندان موجه نیست. چنین مباحثی صرفاً تندروی است و موجب نگاه بدبینانه به احادیث قطعی و حتی قرآن خواهد شد.

فقدان قابلیت شیر در پستان مردان از مهم‌ترین دلایل ساختگی بودن روایت مورد بحث است. با قرار دادن این موضوع در قالب دینی، شاید نتوان چنین شتابزده رأی قطعی بر جعلی بودن روایت صادر کرد. زیرا در مواجهه با گزاره‌های موجود در قرآن و روایات فریقین به سادگی چنین امور نامتعارف پذیرفته می‌شود.^۱ زندگی پیامبران به ویژه پیامبر اسلام متضمن سلسه حوادث شگفت‌انگیزی است که تنها به اراده الهی میسر است. معجزه‌ای که قابل درک بر همه افراد نیست، مومنان تنها اجازه توقف در پذیرش

۱. در قرآن مصادیق آن آشکار است و نیازی به یادآوری نیست. اما در روایات، امور خارق‌العاده‌ای در کتب فریقین ذکر شده که انسان را به شگفتی و تعجب وامی‌دارد. برای نمونه با اسناد متعدد نقل شده‌است که امام حسین علیه السلام از زبان یا انگشت پیامبر صلی الله علیه و آله شیر نوشید (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۶۴/۱؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۲۰۶/۱؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۳۶)، یا آنکه برخی از انبیاء مانند ابراهیم (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶۶/۸؛ قمی، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۳۴/۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۶۳/۴) و موسی (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۰/۶۱) در خردسالی از انگشتان دست خود شیر مکیدند. جالب آنکه در اهل سنت تراوش آب از انگشتان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل شده‌است (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۲۲/۵؛ مسلم بن حجاج، بی‌تا: ۲۳۵/۸).

آن رخداد را دارند مگر اینکه قرائن متقنی بر ضعف یا جعل آن یافت شود. در مورد روایت مورد بحث نیز شواهدی بر توانایی شیردهی مردان وجود دارد که علاوه بر رد باور کسانی که قائل بر عدم قابلیت وجود شیر در پستان مرد هستند، این موضوع را از دایره اعجاز نیز خارج می‌کند. شواهد علم پزشکی و احکام فقهی در موضوع شیردهی مردان از مهمترین دلایل وجود این توانایی در مردان است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱. قابلیت شیرزی مردان در علم پزشکی

در علم پزشکی جاری شدن بی‌اختیار شیر از پستان بدون هیچ ارتباطی به بارداری یا شیردهی را گالاکتوره^۱ گویند که در مردان نیز بطور نادر اتفاق می‌افتد. گرچه در بعضی از اوقات علت ایجاد گالاکتوره قابل تشخیص نیست؛ با این همه افزایش سطح پرولاکتین (کاشی و بهار، ۱۳۹۰: ۳)، گرسنگی (Swaminathan, 2007; Diamond, 1995)، تحریک بیش از حد پستان، مصرف بعضی داروها و عوامل دیگر، در ایجاد این پدیده مؤثرند. لذا سرریزی شیر از سینه مردان هرچند که یک امر نامتعارف به حساب می‌آید ولی وقوع آن امری ممکن و غیر قابل انکار است.

۳-۱-۲. حکم فقهی شیر مردان

از جمله شواهدی که امکان شیردهی مردان را به اثبات می‌رساند، فروعاتی است که پیرامون شیردهی مردان در کتاب‌های فقهی آمده است. مسئله رضاع یکی از موضوعاتی است که در آن از شیردهی مردان صحبت می‌شود. از جمله شروط رضاع، شیردهی است که شیر آن از ولادت نوزاد به دنیا آمده‌ای باشد که ثمره ازدواج است و چون ولادت نیز از خصوصیات زنان است، طبیعتاً این حکم شامل مردان نمی‌شود. از این رو فقهای شیعه اجماع دارند شیردهی مردان همانند شیر چهارپایان موجب حریمیت نمی‌شود (حلی، ۱۳۸۸: ۶۱۵؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۳۱۴/۵). به جز ابوعلی حسین بن علی بغدادی معروف به کرایسی (شیرازی، ۱۴۱۲: ۵۹۰/۴) که از شاگردان برجسته شافعی است، مشهور علمای چهارگانه اهل سنت نیز در عدم اثرگذاری شیر مردان در حریمیت با شیعه هم نظر هستند.

افزون بر این، احکام دیگری مانند کراهت ازدواج مردان با دخترانی که شیر دادند (شافعی، ۱۴۱۰: ۳۸/۵)، صحت یا بطلان خرید و فروش (بدر الدین شافعی، ۱۴۳۲: ۱۵۷/۱؛ حسینی عاملی، بی‌تا: ۱۵۷/۱۲) و نیز نجاست یا طهارت شیر مردان (بلقینی شافعی، ۱۴۳۳: ۱۳۳/۱)، که در فقه به آن پرداخته شده است، نشان می‌دهد که تراوش شیر در سینه مردان و شیردهی امکان‌پذیر بوده و گرنه هرگز

1. Galactorrhea

مورد اعتنای فقهای فریقین واقع نمی‌شد.

۳-۱-۳. شواهد تاریخی

شواهد تاریخی نیز حاکی از امکان وقوع شیردهی مردان است و در این موضوع گزارش‌های تاریخ وجود دارد. در کتاب شرح تشریح قانون ابن حزم، ملقب به ابن نفیس از اطباء مشهور در قرن هفتم آمده است: سینه مردان کوچک است هرچند که به رشد نهایی برسد. چون بهره‌جویی از شیر مردان بسیار کم است و به ندرت اتفاق می‌افتد. زمانی به‌صورت فراوان شیر در سینه مردان شکل می‌گیرد که طفل نسبت به سینه آن مرد رغبت پیدا کند (و آن را بمکد). همانا زن همسایه ما که بچه شیرخواری داشت از دنیا رفت. پدرش توان نداشت دایه‌ای برای فرزندش بیاورد، به همین علت گاهی پستان خود را به لبان فرزند می‌گذاشت و او هم به عادت کودکانه می‌مکید. شیر در پستان پدر تولید شد و هرگاه پستانش می‌فشرد، شیر زیادی می‌آمد (ابن حزم، ۱۳۸۳: ۳۹۱). خطیب بغدادی نیز در کتاب تاریخ بغداد با اسناد صحیح درباره شیردهی مردی گزارش کرده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۱۹/۱۳).

با توجه به شواهد مذکور واضح است مردان علاوه بر سرریزی شیر، قابلیت شیردادن هم دارند. از این رو، اعجاز دانستن وجود شیر در سینه ابوطالب موجه نیست زیرا امکان دارد یکی از عوامل ذکر شده در بالا موجب ایجاد شیر در سینه ابوطالب شده باشد.

۳-۲. تعارض با تاریخ معتبر

آنچه در روایت شیردهی ابوطالب ارائه شد با گزارش‌های تاریخی تعارض دارد. علاوه بر مادر پیامبر ﷺ که تا چند مدت پیامبر ﷺ را شیر داد، ثویبه، کنیز ابولهب، نخستین رضاعی پیامبر ﷺ بود که پس از مادر پیامبر ﷺ این کار را بر عهده گرفت. پس از ثویبه نیز پیامبر ﷺ برای شیردهی به دست حلیمه سپرده شد. چنین گزارش‌هایی می‌تواند نشان از نادرستی روایت مورد بحث باشد.

یعقوبی (بی‌تا: ۹/۲) می‌نویسد اولین شیری که پیامبر ﷺ پس از مادر تناول کرد، شیر ثویبه کنیز ابولهب بوده است. به گزارش مقریزی در امتاع الأسماع (۱۴۲۰: ۹/۱) نیز پیامبر ﷺ یک هفته از شیر مادرش خورد پس از آن چندروزی از ثویبه شیر خورد تا اینکه به حلیمه سپرده شد.

روایات نیز از رابطه رضاعی پیامبر ﷺ، حمزه و ابوسلمه به سبب شیر خوردن از ثویبه اشاره کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴۵/۵، ۴۳۷؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۱۶۸/۳، ۱۲۵/۶). شیخ طوسی نیز در رجال، به ارتباط رضاعی بین حمزه و پیامبر ﷺ از جانب ثویبه اشاره کرده است (۱۳۸۱: ۳۵). البته این نکته نیز حائز

اهمیت است که بر خلاف کتب سیره و رجال در روایات فریقین، صراحتی بر شیردادن حمزه و پیامبر ﷺ از جانب ثویبه وجود ندارد و تنها به همان رابطه شیری بین پیامبر ﷺ و حمزه توجه شده است. همچنین حمزه و پیامبر ﷺ از دو جهت برادرند زیرا هر دوی آنها هم از ثویبه و هم از زنی از قبیله سعديه شیر خوردند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸۸/۱).

با توجه به گزارش‌های تاریخی، روایت شیردهی ابوطالب پس از چند روز گرسنگی پیامبر ﷺ قابل اعتماد نیست. زیرا با شیردادن مادر پیامبر و ثویبه به پیامبر تعارض تاریخی دارد. با توجه به این گزارش‌ها اصلاً نیازی نبود شیر در سینه ابوطالب جاری شود تا گرسنگی پیامبر را مرتفع نماید. حتی بسیار بعید است پس از میلاد پیامبر ﷺ، عبدالمطلب که از بزرگان مکه به حساب می‌آمد، در آن چند روز با وجود دسترسی به ثویبه و دایگان دیگر، نتواند دایه‌ای برای پیامبر ﷺ فراهم کند. جالب توجه آنکه در گزارش‌ها و نقل‌های دیگر، فردی که پیامبر ﷺ را به حلیمه واگذار می‌کند، عبدالمطلب است؛ اما در روایت مد نظر، ابوطالب عهده‌دار این کار می‌شود و پیامبر ﷺ را به او می‌سپارد^۱ (یعقوبی، بی‌تا: ۱۰/۲؛ اصبهانی، ۱۴۰۶: ۱۶۲). از این رو مشکلات پیش رو، از جمله ضعف سند، تفرد و تعارض با گزارش‌های تاریخی از اعتبار روایت می‌کاهد.

برخی نقش غالبان را در ساختن این روایت پررنگ جلوه می‌دهند. به عقیده آنها اینکه ثویبه نخستین شیرده پیامبر ﷺ باشد بر غالبان سنگین بود از این رو برای پر کردن فاصله زمانی بین میلاد پیامبر ﷺ تا آمدن حلیمه، روایت شیردهی ابوطالب را ساخته‌اند.^۲ ناقد در ادامه برای آنکه شدت موضع خود را در قبال روایت نشان دهد و متوجه کند تا چه حد روایت بر او گران آمده، از خداوند برای مرحوم کلینی و راویان از او در اینکه باعث نشر چنین روایتی شدند، طلب بخشش و مغفرت کرده است (غروی، ۱۴۱۷: ۲۶۲/۱).

نیک روشن است به صرف تعارض نمی‌توان با چنین واکنشی با روایت روبرو شد تا ضمن جعلی خواندن روایت، بدون ذکر مدرکی برای بزرگانی چون کلینی طلب بخشش کرد. حکم به جعل افزون بر تعارض، نیازمند به دیگر قرینه‌ها مانند انگیزه و فضای جعل است و از دیگر سو، احتمال اشتباه (صدوق، ۱۴۰۶: ۵۸) و تصحیف نیز وجود دارد (مسعودی، ۱۳۹۵: ۱۷۹/۲)؛ گاهی افزایش و کاستی‌هایی که در روایت

۱. البته ممکن است ابوطالب به دستور عبدالمطلب، پیامبر ﷺ را به حلیمه سپرده باشد. در سیره ابن هشام ماجرای سپردن پیامبر ﷺ به حلیمه به تفصیل نقل شده است اما برخی، بخشی از آن گزارش را درست نمی‌دانند (ابن هشام، بی‌تا: ۱۶۰/۱؛ سبحانی، بی‌تا: ۱۵۷).

۲. با توجه به کلام ناقد، گویا ایشان شیردهی مادر پیامبر ﷺ را قطعی نمی‌دانند تا در اولویت تعارض قرار دهد.

به وجود می‌آید نیز می‌تواند منشأ تعارض گردد.^۱ افزون بر تمام احتمالات مذکور، قرائنی بر ساختگی بودن این روایت وجود ندارد؛ از این رو می‌توان روایت شیردهی ابوطالب به پیامبر ﷺ را صرفاً یک نقل تاریخی ضعیف شمرد.

لازم به ذکر است که در گزارش‌های تاریخی متعارض نیز کاستی‌هایی وجود دارد که توانایی رویارویی با روایت شیردهی ابوطالب را ندارند و نمی‌توان به صرف استناد به آنان، این روایت را ضعیف یا جعلی خواند. در ادامه برخی از این کاستی‌ها بررسی خواهد شد.

۴. بررسی گزارش‌های تاریخی

یکی از اسلوب‌هایی که موجب تشکیک در محتوای روایت و معیاری برای نقد احادیث به شمار می‌آید، تعارض با تاریخ معتبر است. این روش هنگامی کارایی دارد که نقل تاریخی از جایگاه محکم و استواری برخوردار باشد به گونه‌ای که در اعتبار آن تزلزل و تردید ایجاد نشود تا توان تضعیف نقل را دارا باشد. آنچه در تعارض با روایت شیردهی ابوطالب آورده شد چندان از تکیه‌گاه قوی برخوردار نیست و چنان پایه استواری ندارد که روایت شیردهی ابوطالب را تحت شعاع قرار دهد. بررسی منابع تاریخی نشان می‌دهد که گزارش‌های متعارض با روایت مورد بحث قطعی نیستند.

۴-۱. شیردهی مادر پیامبر ﷺ

شیردهی مادر پیامبر ﷺ از جمله گزارش‌های متعارضی بود که در منابع اولیه اعم از تاریخ و حدیث تنها در کتاب یعقوبی به آن اشاره شد و در پی آن نیز بعضی از تاریخ‌نویسان متأخر با نظرات مختلفی بدون هیچ ارجاعی به آن پرداخته‌اند (سید مرتضی عاملی، ۱۴۱۵: ۷۲/۲). پر واضح است صرف تعارض با گزارش یعقوبی کارساز نیست و از جهت انفراد گزارش، فرقی با روایت مد نظر ندارد. متأخرین نیز تا زمانی که گزارش آنان به ویژه مباحثی که مرتبط با صدر اسلام است ریشه‌ای در منابع کهن تاریخی نداشته باشند قطعی نیست و احتمال دارد از یکدیگر تأثیر پذیرفته باشند. البته گفتنی است در روایتی به صورت

۱. برای نمونه اجماع مسلمین و روایات نشان می‌دهد که سوره فیل در شأن ابرهه بن صباح که از حاکمان حبشی یمن بود، نازل شده است. وی هنگامی که به قصد انهدام کعبه راهی مکه شد، خداوند پزندگانی را که هیچ‌گاه پیش از آن و نه پس از آن کسی دیده بود، بر سر آنان فرستاد تا عذاب شوند. ولی روایتی در علل الشرائع ذیل آیه اُرْسِلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا اَبَابِيلَ، تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سَجْلٍ، آیه را برای مردمانی ما بین پیامه و بحرین می‌داند و علت این عذاب را بخاطر راهزنی و اعمال ناشایست بیان می‌کند (صدوق، ۱۳۸۵: ۵۲۱/۲). در حالی که همین روایت با طریق دیگر در کتاب کافی بدون آنکه این زیادت باشد، کاملاً با دیگر نقل‌های تاریخی مطابقت دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/۸۴). جالب توجه آنکه شیخ صدوق نیز در من لایحضره الفقیه ذیل همین آیه از ابرهه بن صباح سخن می‌گوید (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۴۹/۲). البته علامه مجلسی چند احتمال برای توجیه روایت علل شرائع ذکر کرده است (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۲/۱۵).

مرسل در بعضی از منابع فقهی شافعی ذکر شده پیامبر ﷺ از شیر مادر تناول کرده است؛ اما با توجه به ارسال سند و قدمت روایت به قرن پنجم، چندان قابل اعتناء نیست.^۱ همچنین در کتاب الفضائل منسوب به شاذان (۱۳۶۳: ۲۴) به نقل از واقدی گزارشی وجود دارد که از مضمون آن چهار ماه شیردهی مادر پیامبر ﷺ برداشت می‌شود. این گزارش به‌رغم آنکه از چند روز گرسنگی پیامبر ﷺ پس از ارتحال مادر حکایت دارد و می‌تواند روایت شیردهی ابوطالب را تا حدودی تقویت کند، دچار ضعف‌های جدی از جمله ناسازگاری با گزارش‌ها، بی‌نشان بودن مولف (بهارى و موسوى، ۱۳۸۱: ۵۸) است که این موارد می‌تواند موجب تردید و روی‌گردانی از این گزارش شود.

شاید برخی در صدد دفاع برآیند و ادعا کنند گزارش اندک مادر پیامبر ﷺ تناسبی با گزارش شاذ ابوطالب ندارد تا هر دو یکسان نقد شوند؛ چرا که شیر دهی مادر امری طبیعی و متعارف است و نیازی نبود تا به صورت گسترده در منابع نقل شود.

این گفتار هرچند سخنی درست و غیرقابل خدشه است اما در مورد مادر پیامبر ﷺ به دو دلیل قابل پذیرش نیست. نخست آنکه محدثان و مورخان اولیه اسلامی از کوچکترین مناسباتی که مربوط به پیامبر ﷺ است غفلت نورزیده و جزئیات زندگی ایشان را انعکاس داده‌اند. از این رو، چطور می‌توان باور کرد پیامبری که از هنگام تولد تا موت ایشان اخبار لحظه به لحظه زندگی او نقل پیدا کرده و حتی بابتی در منابع سیره برای معرفی کسانی که پیامبر ﷺ را شیر داده‌اند وجود دارد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸۷/۱)، از شیردهی مادر ایشان بخاطر آنکه امری متعارف است گذشته باشند. این گزارش صرفاً در تاریخ یعقوبی آن هم به صورت مسند روایت شده است و برخی متأخرین نیز به نقل از او این روایت را تکرار کرده‌اند.

دلیل دیگری که می‌تواند نفی شیردهی مادر پیامبر ﷺ را تقویت کند، تصریح بعضی از مصادر تاریخی بر این است که ثویبه نخستین کسی است که پیامبر ﷺ را شیر داده است. مؤید این گفتار نیز چنانکه پیشتر گذشت، تعارضی است که برخی در روایت شیردهی ابوطالب در مقابل ثویبه و نه مادر پیامبر ﷺ ایجاد کرده‌اند. بنابراین، گزارش شیردهی مادر پیامبر ﷺ در مقابل روایت شیردهی ابوطالب نیست.

۱. «أنا أفصح العرب ولا فخر بيد أني من قريش ونشأت في بني سعد و ارتضعت في بني زهرة» (ابواسحاق شيرازى، ۱۴۱۲: ۵۹۲/۴)، این روایت چنانکه پیشتر گفته شد تنها در کتب فقهی شافعی ذکر شده و این تفرد جای تردید را بیشتر می‌کند. برخی علمای شافعی نیز این حدیث را غریب و برخی نیز مقلوب می‌دانند (ابوحفص مصرى، ۱۴۱۰: ۲۵۱/۲؛ ابن حجر، ۱۴۱۹: ۱۴/۴). این روایت در کتب فقهی شیعه نیز راه یافته است.

۴-۲. شیردهی ثوبه

آغاز و مدت شیردهی ثوبه به پیامبر ﷺ در منابع ذکر نشده یا قابل اعتماد نیست. حتی برخی در اصل شیردهی او ایجاد تردید کرده و آن را نادرست دانسته‌اند (سید مرتضی عاملی، ۱۴۱۵: ۷۱/۲). هرچند دلایل تردید در اصل شیردهی ثوبه قابل اثبات نیست ولی با توجه به مطالب پیشین با فرض شیردهی ابوطالب هم می‌توان چنین تصور کرد، ثوبه چند روز مانده به پیدایش حلیمه، پیامبر ﷺ را شیر می‌دهد و قبل از او یا کنار او، ابوطالب نیز متصدی شیر دادن پیامبر ﷺ می‌شود. از این رو، روایت شیردهی ابوطالب به پیامبر ﷺ هیچ‌گونه تعارضی با تاریخ معتبر ندارد تا بدین سبب محکوم به ضعف یا جعل شود.

۵. جمع بین روایت و منابع تاریخی

فارغ از تمام نارسایی‌ها و ضعف‌هایی که گزارش‌های تاریخی دارند، می‌توان وجه جمعی بین روایت و گزارش‌ها آورد و تا حدودی هم روایت ابوطالب را تقویت کرد. چند روز بی شیری پیامبر ﷺ ارتباطی به ناتوانی مادر نداشته تا بدین سبب با نقل‌های تاریخی تعارض پیدا کند. بلکه بنا بر روایتی که حاکم نیشابوری در المستدرک آورده نشان می‌دهد آزار و اذیت عفریتی از جن باعث این کار شد تا پیامبر ﷺ در بدو تولد تا دو شب بی شیر بماند و از شیر کسی حتی مادر خود بهره‌ای نبرد. روایت حاکم که با سند حسن آمده چنین است: «حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْفَارِسِيُّ، ثنا يَعْقُوبُ بْنُ سُفْيَانَ، ثنا أَبُو غَسَّانٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْكِنَانِيُّ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ ابْنِ إِسْحَاقَ، قَالَ: كَانَ هِشَامُ بْنُ عُرْوَةَ يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَتْ: كَانَ يَهُودِيٌّ قَدْ سَكَنَ مَكَّةَ يَتَّجِرُ بِهَا فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي وُلِدَ فِيهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِي مَجْلِسٍ مِنْ قُرَيْشٍ: يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ، هَلْ وُلِدَ فِيكُمْ اللَّيْلَةَ مَوْلُودٌ؟ فَقَالُوا: وَاللَّهِ مَا نَعْلَمُهُ، قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ أَمَا إِذَا أَخْطَأَكُمْ فَلَا بَأْسَ، فَانظُرُوا وَاحْفَظُوا مَا أَقُولُ لَكُمْ، وُلِدَ هَذِهِ اللَّيْلَةَ نَبِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْأَخْيَرَةِ بَيْنَ كَيْفَيْهِ عَالَمَةٌ فِيهَا شَعْرَاتٌ مُتَوَاتِرَاتٌ كَأَنَّهِنَّ عُرْفُ قُرَيْشٍ، لَا يَرْضَعُ لَيْلَتَيْنِ، وَذَلِكَ أَنَّ عَفْرِيَّتًا مِنَ الْجَنِّ أَذْخَلَ أَصْبُعَيْهِ فِي فَمِهِ، فَمَنَعَهُ الرِّضَاعَ، فَتَصَدَّعَ الْقَوْمُ مِنْ مَجْلِسِهِمْ...» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۶۵۷/۲).

۱. اگر این سؤال به ذهن آید که تسلط شیاطین اجنه بر انبیاء ممکن نیست، در جواب گفته می‌شود باتوجه به آیات قرآن و احادیث، شیاطین تنها نمی‌توانند بر دین آنان تسلط یابند، ولی چنانچه قصد آزار و اذیت بر جسم و بدن آنان داشته باشند دلیل بر نفی آن نداریم؛ همانطور که بر جسم ایوب نبی شیطان مسلط شد و او را در تنگنا قرار داد (ر.ک. کلبینی، ۱۴۰۷: ۲۸۸/۸؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۳۹۹/۲). گفتنی است این کار اجنه بدون هدف و غرض نبوده بلکه شاید عدم استراق سمع و محدودیتی که شیاطین اجنه با به دنیا آمدن پیامبر ﷺ بر ایشان وارد شد، دست به چنین کار خصمانه‌ای زده‌اند (صدوق، ۱۳۹۵: ۱۹۶/۱).

این گزارش با اختلاف در کتب شیعه و سنی آمده (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰۰/۸؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۲۹/۱) و اگر در کنار روایت شیردهی ابوطالب قرار گیرد و حداقل ایام را هم بنا بر روایت کافی سه روز قرار دهیم، معلوم می‌شود پیامبر صلی الله علیه و آله دو شب و سه روز از شیر کسی بهره‌ای نبرده است. از این رو، امکان دارد پس از این ایام ابوطالب پیامبر صلی الله علیه و آله را به سینه چسبانیده و با مکیدن پستان او، شیر در سینه وی جاری شده و در کنار مادر و ثویبه، پیامبر صلی الله علیه و آله را شیر داده باشد. هر چند که تفرد و ضعف سند، این گمان را به قطع صدور از معصوم بازداشته و انتساب آن را دشوار می‌نماید. بنابراین، شیردهی ابوطالب را نمی‌توان به طور یقین انکار کرد و چه بسا کلینی با توجه به شناختی که از روایان داشته و نیز وجود قرائن مذکور، اعتماد به روایت کرده و آن را در کتاب خود جای داده است. ولی با این وجود قرائن محکمی وجود ندارد که روایت ابوطالب را تقویت کند و اعتماد به آن را افزایش دهد. از این رو روایت ضعیف شمرده می‌شود و نمی‌توان به آن تکیه کرد.

نتیجه

اعتماد به این که روایت شیردهی ابوطالب به پیامبر صلی الله علیه و آله از معصوم باشد کاری دشوار است. با توجه به ضعف سند و تفرد، با قاطعیت نمی‌توان این روایت را به معصوم نسبت داد. با وجود این، یک امر نامتعارف به ویژه واقع‌ای که مرتبط به ابوطالب است و داعی بر نقل آن فراوان است، نباید مورد بی‌توجهی و بی‌مهری محدثین قرار گیرد. عدم قابلیت شیر در مردان چنانکه بعضی علت ساختگی بودن این روایت پنداشته‌اند مورد قبول نیست، زیرا با توجه به علم پزشکی و در احکام فقهی این قابلیت برای مردان امکان پذیر است. افزون بر این، قرائن متقنی نیز بر جعلی بودن این روایت وجود ندارد و از طرفی احتمال تصحیف، اشتباه و دگرگونی در نقال روایت وجود دارد. از جمله قرائنی مانند قطعی نبودن شیردهی مادر پیامبر صلی الله علیه و آله یا بی شیر ماندن پیامبر صلی الله علیه و آله بخاطر آزار و اذیت جن، رخ دادن این واقعه را تقویت کرده و از گمان جعلی بودن نیز باز می‌دارد. در عین حال این روایت با همه چالش‌ها و مشکلاتی که با آن دست و پنجه نرم می‌کند طرفدارانی هم دارد، به گونه‌ای که برخی آن را از معجزات الهی دانسته‌اند. اما باتوجه به این که شیرریزی مردان امری نامتعارف ولی امکان پذیر است از این رو نمی‌توان آن را یک رخداد آسمانی و معجزه تلقی کرد. با این همه روایت شیردهی ابوطالب به پیامبر صلی الله علیه و آله ضعیف شمرده می‌شود و نمی‌توان به آن اعتماد کرد.

منابع

- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۹ق)، التلخیص الحیبر فی تخریج أحادیث الرافعی الکبیر، بی جا، دار الکتب العلمیة.
- ابن حزم، الحسن بن علی (۱۳۸۳ش)، شرح تشریح قانون، بی جا، دانشگاه علوم پزشکی ایران، موسسه مطالعاتی تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.
- ابن سعد، ابو عبدالله محمد (۱۴۱۰ق)، الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینة دمشق، بیروت، دار الفکر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا)، الفهرست، بیروت، دار المعرفة.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (بی تا)، السیرة النبویة، بیروت، دار المعرفة.
- أبو اسحاق شیرازی، ایراهیم بن علی (۱۴۱۲ق)، المهدب فی فقه الإمام الشافعی، دمشق، دار القلم.
- أبو حفص مصری، عمر بن علی (۱۴۱۰ق)، خلاصة البدر المُنیر، بی جا، مكتبة الرشد للنشر والتوزیع.
- اصبهانی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۶ق)، دلائل النبوة، بیروت، دار النفائس.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بی جا، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- بدرالدین الشافعی، محمد بن أبی بكر الأسدی (۱۴۳۲ق)، بداية المحتاج فی شرح المنهاج، جده، دار المنهاج للنشر والتوزیع.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، انساب الاشراف، بیروت، دار الفکر.
- البلقینی شافعی، سراج الدین عمر بن رسلان (۱۴۳۳ق)، التدريب فی الفقه الشافعی، الرياض، دار القبلتین.
- بهاری، محمدباقر و میرمحمد موسوی (۱۳۸۱ش)، «شاذان بن جبرئیل و دو کتاب منسوب به او»، قم، مجله میراث شهاب، بهار، شماره ۲۷، ص ۵۹-۶۲.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف والبیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

- جیلانی، رفیع الدین محمد بن محمد (۱۳۸۷ش)، الذریعة إلى حافظ الشريعة، قم، دار الحديث.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- حسینی عاملی، سید جواد (بی تا)، مفتاح الکرامۃ فی شرح قواعد العلامۃ، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۳۸۸ق)، تذکرۃ الفقہاء، قم، موسسہ آل البیت.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۰۲ق)، رجال العلامۃ الحلّی، نجف، دار الذخائر.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، معجم رجال الحديث، قم، مرکز نشر آثار شیعه.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۰ش)، اصول الحديث و احکامه فی علم الدرايه، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- _____ (بی تا)، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب.
- سلطان علی شاه، محمد گناه آبادی (۱۴۰۸ق)، بیان السعادة فی مقامات العبادۃ، بیروت، مؤسسۃ الأعلمی للمطبوعات.
- شاذان بن جبرئیل، سدید الدین (۱۳۶۳ش)، الفضائل، قم، رضی.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۱۰ق)، الأم، بیروت، دار المعرفة.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم، جامعہ مدرسین.
- _____ (۱۳۷۶ش)، الأمالی، تهران، کتابچی.
- _____ (۱۳۸۵ش)، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری.
- _____ (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمۃ، تهران، اسلامیہ.
- _____ (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی للنشر.
- _____ (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزه علمیه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الطبری، بیروت، دار التراث.

— طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳ش)، رجال الطوسی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين.

— _____ (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

— عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۴۱۵ق)، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، سید جعفر مرتضی عاملی، بیروت، دار الهمادى.

— عاملی، سید محسن امین (۱۴۰۳ق)، أعیان الشیعة، بیروت، دار التعارف.

— قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، قم، دار الكتاب.

— کاشی، زهرا و عادلہ بهار (۱۳۹۰ش)، «پرولاکتینوما: تشخیص، درمان و پیگیری»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، بهمن، شماره ۸۶.

— کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، رجال الکشی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.

— کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، دار الکتب الإسلامیة.

— مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسة آل البيت.

— مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

— مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۵ش)، تفسیر روایی جامع، قم، دار الحديث.

— مسلم بن حجاج (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت، دار الفكر.

— مقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۴۲۰ق)، إمتاع الأسماع، بیروت، دار الکتب العلمیة.

— منیر، أبو بلال عبد القادر (بی تا)، إيقاف الراقدین و تنبيه الغافلین من خطر الشيعة الرافضة على الإسلام و المسلمین، بی جا، دار الكلمة للنشر و التوزيع.

— نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین.

— نوری، محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت.

— هاشمی خانباسی، سید علی و رجایی پور، مصطفی (۱۳۸۹ش) «کتب اربعه مزیت ها و اشکالات»، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، زمستان، شماره ۲۶.

— یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.

– یوسفی غروی، محمد هادی (۱۴۱۷ق)، الموسوعه التاريخ الاسلاميه، قم، مجمع الفكر الاسلاميه.

– Diamond, Jared (1995), “Father's Milk”, Retrieved Nov. 29, 2021, from <https://www.discovermagazine.com/mind/fathers-milk>

– Swaminathan, Nikhil (2007), “Strange but True: Males Can Lactate” Retrieved Nov. 29, 2021, from <https://www.scientificamerican.com/article/strange-but-true-males-can-lactate/>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پژوهشگاه
علوم انسانی

سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۱۴